

تاریخ: ۵۸/۳/۱۹

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون، فرهنگیان و مردم کرج بته مناسبت شهادت شهید مطهری و سوء قصد به حجت الاسلام رفسنجانی

بسم الله الرحمن الرحيم

### جدیت در حفظ حیثیت اسلام و شناساندن چهره حقیقی جمهوری اسلامی

اینکه پیش من اهمیت دارد این اموال نیست، این دارائی‌های جنایتکاران نیست. اینکه من خیلی به آن اهمیت می‌دهم این است که امروز که جمهوری اسلامی اعلام شده است و مردم، ایران را از شر آنها، از شر رژیم فارغ می‌دانند و جمهوری را اسلامی می‌دانند، همه اقشار ملت خصوصاً آنهایی که در رأس کار هستند، خصوصاً روحانیینی که در رأس کار هستند اینها جدیت کنند به اینکه نیادا خدای نخواستہ چهره جمهوری اسلام به طور قبیح بین مردم وجود پیدا کند. این اهمیت در رأس همه امور این معناست. اموال چیزی نیست ببرند، بخورند یا بگیرند، یا برای مستضعفین کار بکنند، البته می‌شود، آنکه اهمیت دارد حیثیت اسلام است که باید کوشش کرد این حیثیت را حفظ کرد. تا حالا مردم می‌دیدند که خوب، یک دولت طاغوتی است و کارهایش کذا و کذاست. وقتی که دولت طاغوتی رفت مردم توقع دولت اسلامی دارند. مردم توقع دارند که حالا که نمی‌توانید همه کارها را یکدفعه اصلاح کنید لکن آنهایی که در رأس کار هستند جوری نباشد که اسلام را هم مثل یک دولت طاغوتی ما عرضه بکنیم. اگر ما مسامحه کنیم در امور یا تخطی کنیم از آن مشی که اسلام و حکومت‌های اسلامی دارد، این اسباب این می‌شود که اسلام را ما در نظر عالم، در نظر غیر، در نظر جوان‌های بی‌اطلاع از اسلام، قشرهایی که اسلام را درست اطلاع بر آن ندارند، در نظر اینها یک صورت طاغوتی به آن داده بشود. این شکست است که تا آخر اسلام را به شکست می‌رساند.

دیروز به بعضی از این آقایان که اینجا بودند گفتم که آن روزی که وجهه اسلام بخواد درش خدشه وارد بشود، آن روز است که بزرگان اسلام جانشان را دادند برای او. در زمان معاویه و در زمان پسر خلف معاویه مسأله اینطور بود که چهره اسلام را اینها داشتند قبیح می‌کردند، به عنوان خلیفه المسلمین، به عنوان خلیفه رسول الله آن جنایات را می‌کردند. مجالسشان، مجالس چه بود. اینجا بود که تکلیف اقتضا می‌کرد برای بزرگان اسلام که مبارزه کنند و معارضه کنند و این چهره قبیحی که اینها دارند از اسلام نشان می‌دهند و اشخاص غافل ممکن است که خیال کنند که اسلام خلافتش همین است که معاویه دارد و یزید دارد، این است که خطر می‌اندازد اسلام را و این است که مجاهده برایش

باید کرد ولو انسان به کشتن برود.

تا حالا همه قشرها (خداوند همه شان را سعادت و سلامت بدهد) مبارزه کردند و این قشری که ظالم بودند، ستمکار بودند، خائن بودند، این رژیم فاسد را شکستند و ازین بردند، حالا که دست خود مردم افتاده است مملکت، و ادعا این است که یک حکومت اسلامی است، که یک جمهوری اسلامی است، حالا است که خطر زیاد است، حالا است که برای قشر روحانیت از همه بیشتر (برای اینکه اینها نمونه ای از اسلام هستند، نمونه ای از انبیاء هستند) برای سایر قشرها هم همین معنا، این که به اسلام عقیده دارد، به خدا عقیده دارد، برایش الان یک تکلیف هست که در این وقتی که آن رژیم طاغوتی رفته است و حالا یک رژیم ما ادعا می کنیم اسلامی و انسانی هست، یک وقتی طوری نشود که کمیته ها در سرتاسر کشور - عرض بکنم - پاسدارها در سرتاسر کشور، سایر قشرها در سرتاسر کشور خودشان را آزاد بدانند که هر کاری می خواهند بکنند، آزاد بدانند که هر جور می خواهند رفتار بکنند. این است که اگر چنانچه کمیته ها روی موازین اسلامی عمل نکنند، اگر روحانیون که در رأس جامعه هستند روی موازین مقررات به طور دقت عمل نکنند، اگر دولت به طور دقت عمل نکند، اگر ارتش به طور دقت عمل نکند و اعمالشان را تطبیق ندهند با اسلام، یک صورت قبیحی از اسلام در خارج منعکس می شود که حالا هم که دولت اسلامی مثلاً شد، حالا هم که جمهوری اسلامی شد مثلاً پاسدارهای اسلام می ریزند خانه های مردم را غارت می کنند، چه می کنند. یک قضیه که بشود، کافی است که بگویند همه می کنند، دو تا قضیه وقتی که واقع بشود که بیخود بریزند به خانه های مردم و از آنجا مثلاً غارتگری بکنند، این کافی است برای اینکه بگویند کمیته هایی که، بگویند پاسدارهای اسلامی وضعیتشان غارتگری است. یک کمیته در یک محلی اگر واقع بشود، دو تا کمیته در یک محلی اگر واقع بشود و برخلاف مقررات شرع درش عمل بشود کافی است که بگویند کمیته های اسلامی هم اینطور هستند که اینطور کارها را انجام می دهند. اگر دو تا حبسی برخلاف مقررات اسلام با او عمل بشود کافی است که بگویند حبس اسلام هم مثل حبس ساواک می ماند. الان یک تکلیف بسیار بزرگی به عهده همه ماست. من که یک طلبه هستم این تکلیف را دارم، آقایان هم که از آقایان (روحانیون) هستند این تکلیف را دارند، سایر قشرها هم دارند که کوشش کنیم وجهه اسلام و صورت اسلام را آنطور که هست نمایش بدهیم، نه آنطوری که خلفای مثل معاویه و یزید و بعضی از، یا بسیاری از خلفای اموی و بنی عباس جلوه می دادند. به عنوان اینکه ما نماینده اسلام هستیم، کارهایی می کردند که با اسلام مخالف بود و اسباب این می شد که یک وقت وجهه اسلام را در دنیا دگرگون کنند.

الان ما در یک امتحان بزرگ واقع هستیم. الان خدا ما را امتحان می کند که آیا ما در این وقتی که یک مطلبی دستمان آمده، یک قدرتی دستمان آمده است، آیا ما چه می کنیم؟ ما هم همان هستیم به صورت دیگر؟ یا خیر، ما روی مقررات عمل می کنیم؟ آنی که مهم است پیش من این است که امروز خطر هست در کار، خطر کمونیست در کار اینقدرها نیست، هست ولی اینقدرها نیست، خطر ساواکی دیگر اینقدرها نیست در کار، این خطرها مهم نیست، اموال شاه سابق برود یا نرود پیش من چیز مهمی

نیست؛ قصرهای کذا و کذا پیش ما چیز اهمیت‌داری نیست، آنی که اهمیت دارد این است که وجهه اسلام محفوظ باشد؛ صورت اسلام آنطوری که هست باشد، امروز که دست ما افتاده یک جوری نمایش ندهیم که بگویند اسلام این است. یک وقت می‌گویند که فلان آدم اینطوری است، این اشکالی ندارد، فلان شخص اینطوری است. یک وقت اگر بنا شد که مثلاً در قشر معممین خدای نخواستہ، در قشر علما خدای نخواستہ یک مطلب خلافی واقع بشود، دو تا مطلب خلاف واقع بشود مردم می‌گویند که خوب اینها نمایندگان اسلام هستند، نمایندگان اسلام هم همین طورند، پس معلوم می‌شود اسلام اینطوری است. کمیته‌هایی که برای کمیته اسلامی هست و کمیته در حکومت اسلامی هست اگر چنانچه یک قضیه‌ای بر آن واقع بشود، صورت اسلام را بد نمایش می‌دهد و اگر یک همچنین کاری به دست ماها واقع بشود، جزمی است که بخشودنی نیست، پیش خدای تبارک و تعالی بخشودنی نیست. این مثل سایر گناه‌ها نیست، این یک گناه بزرگی است که اسلام را ما در خطر انداختیم، اسلام را برخلاف آن چیزی که هست نمایش دادیم.

ولهذا من از همه، از همه کمیته‌ها، از همه پاسدارها، از همه معممین، از همه اهل منبر، از همه اهل محراب، از همه مسلمان‌ها عاجزانه با کمال عجز و تواضع استدعا می‌کنم که این اسلامی که الان به دست شما افتاده است و ارو نه نشانش ندهید، همانطور که هست عرضه کنید. اگر اسلام همانطور که هست عرضه کنید، دنیا قبولش می‌کند، متاع خوبی است. اما اگر چنانچه امروز خدای نخواستہ ما یک جور عملی بکنیم که این عمل اسباب این بشود که بگویند اسلام اینطوری هست، بزرگتر خیانت را ما به اسلام کردیم.

## سفارش عمومی به اقشار ملت در نظارت بر کلیه امور و اعتراض به اعمال خلاف اسلام

این یک سفارش عمومی است که پیش من اهمیت دارد و باید عرض بکنم به همه، به همه قشرهای ملت باید عرض بکنم. با کمال دقت توجه کنید که یک قدم خلاف اسلام نباشد، یک قدم با کمال دقت ملاحظه کنید که کمیته‌هایی که در تحت کفالت شماست اشخاصی توی آن نباشند که خلاف اسلام عمل می‌کنند. با کمال دقت ملاحظه کنید که کسانی که به عنوان اسلام، به عنوان مسلمین، به عنوان چه، معممین کذا اینها یک قدم خلاف بر ندارند که خدای نخواستہ چهره اسلام را برخلاف آنطوری که هست قبیح نشان بدهند. این در نظر من از همه چیزها اهمیتش بیشتر است و مسئولیتش هم بیشتر. همه ما مسئولیم که این کار را انجام بدهیم یعنی آنطور که، آنقدری که قدرت داریم این کار را انجام بدهیم که گمان نشود که اسلام هم مثل سایر حکومت‌های دیگری هست و تا حالا دستشان چیزی نبوده حالا که دستشان آمده همانند که بودند و همانند که هستند. این مسأله مهم است. و آقایان توجه کنند و همه و همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور؛ نظارت کنند اگر من یک پیام را کنار گذاشتم، کج گذاشتم ملت موظف است که بگویند بابت را که گذاشته خودت را حفظ کن. مسأله

مسأله مهم است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است، اگر دیدند که یک کمیته خدای نخواستہ برخلاف مقررات اسلام دارد عمل می‌کند، بازاری باید اعتراض کند - عرض بکنم که - کشاورز باید اعتراض کند، معمین و علما باید اعتراض کنید، اعتراض کنند تا این کج را راست کنند. اگر دیدند یک معمم برخلاف موازین اسلام خدای نخواستہ می‌خواهد عمل بکند، همه موظفند که جلوی او را بگیرند که امروز غیر روزهای دیگر است. آنوقت هم باید بگیرند اما حالا کار مهم است. حالا اساس، اساس وجهه اسلام است، اساسی است که الان اسلام به دست ما افتاده، داریم چه می‌کنیم؟ بنابراین آنی که به نظر بنده مهم است این است و البته اینها هم باید عمل بشود اما اینها در درجه دوم است درجه اولش عبارت از این است که همه ما، همه قشرها، همه، اینها همه باید این جهت را توجه داشته باشند و همه آنها مراعات این مسأله «کلکم راع» همه باید مراعات این مسائل را بکنند، توجه داشته باشند که نبادا من یک وقت یک کلمه برخلاف مقررات اسلام بگویم. اعتراض کنند، بنویسند، بگویند، آقا، خدای نخواستہ آقا، شما، ایشان، اینهایی که الان مردم توجه به آنها دارند و می‌گویند اینها مثلاً دارند اداره می‌کنند، چه حکومت باشد و چه کسانی که - عرض بکنم که - از این دادگاه‌ها باشد هر جا باشد، الان وقت این است که همه اینها مواظبت کنند خودشان، مواظبت کنند در اینکه یک قدم کج نگذارند و اسلام را حفظ کنند، صورت اسلام را آنطوری که هست نشان بدهند و اگر خدای نخواستہ یک کسی پیدا شد که یک کار خلاف کرد اعتراض کنند مردم، مردم همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می‌کنی؟ در صدر اسلام هست که عمر وقتی که گفت (در منبر بود، کجا) که اگر من یک کاری کردم، شما چه بکنید، یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این، با این شمشیر راستش می‌کنیم. باید اینطور باشد، باید مسلمان اینطور باشد که اگر هر که می‌خواهد باشد، خلیفه مسلمین و - عرض بکنم - هر که می‌خواهد باشد اگر دید پایش را کنار گذاشت، شمشیرش را بکشد که پایت را راست بگذارد.

### امور باید موافق اسلام باشد

اگر ما بخواهیم اسلام را حفظ کنیم و اینطوری که بخواهیم یک نمونه در عالم نشان بدهیم، ایران را بگوییم یک نمونه است، یک الگو هست، با رفتن شاه درست نمی‌شود، با رفتن ظالم‌ها درست نمی‌شود. اگر بنا شد که ظالم‌ها رفتند و ما یک دسته دیگر جایشان نشستیم همان کارها را به اندازه‌ای که قدرت داریم بکنیم، ما هم همان هستیم، ما هم همان رژیم هستیم، ما هم همان ظالم هستیم. این یک مطلبی است که باید همه بدانند و همه ملت باید بدانند و در رأس آنها این است که روحانیون و کسانی که مرجع امورند در همه جاها، دولت اسلامی - عرض بکنم که - ارتش اسلامی، همه قوای انتظامیه‌ای که حالا همه می‌گویند ما اسلامی هستیم و از طاغوت بیرون آمدیم و به اسلام گرایش پیدا کردیم، مجرد لفظ فایده ندارد، باید محتوا داشته باشد، باید شهربانی حالا وضعش با آنوقت تغییر

همین طور باشند، وزارتخانه‌ها همین طور باشند، ادارات همین طور باشند، بازار همین طور باشد. بازار باید بازار اسلامی باشد، نه بازار چپاولگری، نه بازار قاچاق، بازار اسلامی باشد، به حال مردم رسیدگی بکنند، این مردم دارند از بی بضاعتی چه می‌شوند، آنهایی که فرصت طلبند حالا اجناس را چند مقابل بالا می‌برند، اینها با وضع اسلام موافق نیست، مخالف است - عرض بکنم که - بنابراین الان بر عهده ما همه، همه افراد ملت از صدر تا ذیل، چه در دستگاه‌های حکومتی باشند، چه نباشند، چه در دستگاه‌هایی باشد که تمشیت امور را می‌کنند چه نباشد، الان به عهده همه ما این است که ما کارهایمان را موافق اسلام قرار بدهیم و اسلام را حالا که می‌گوییم جمهوری اسلامی هست و حالا که می‌گوییم مملکت اسلامی است و حالا که می‌خواهیم عرضه کنیم به خارج که این ایران الگو باشد از برای سایر جاها، یک وقت جوری نباشد که یک الگویی باشد الگوی شیطانی نباشد و ما غفلت از آن بکنیم. باید یک الگوی اسلامی باشد و این وظیفه بر عهده همه ما هست. انشاء الله خداوند همه شما را موفق بدارد و من تشکر می‌کنم از اینکه آقایان از راه دور آمدند برای ملاقات ما و امیدوارم که این امور هم اصلاح بشود انشاء الله.

امام خمینی در جواب سؤال یکی از حضار فرمودند:

در امور باید موافق اسلام باشد. ثروت اگر ثروتی است که مخالف اسلام است مصادره خواهد شد، حساب خواهد شد. این املاکی که گفته شدند که مصادره می‌شوند و دولت چه می‌کند املاک مردم نیست، عبارت از زمین‌های مواتی که دولت سابق بدون اینکه مالک باشد فروخته است یا اشخاص بدون اینکه مالک شده باشند فروخته‌اند. اینها هست نه اینکه یک کسی از خودش زمینی را احیا کرده و بروند از او بگیرند. این حرف‌ها نیست در کار، اسلام این حرف‌ها را ندارد که برای هوای نفس اشخاص مال مردم را از آنها بگیرد، نیست. مال مردم روی حقوق حقه شرعی و روی موازین الهی باید درست بشود و اگر موازین الهی عمل بشود، همه امور درست می‌شود.